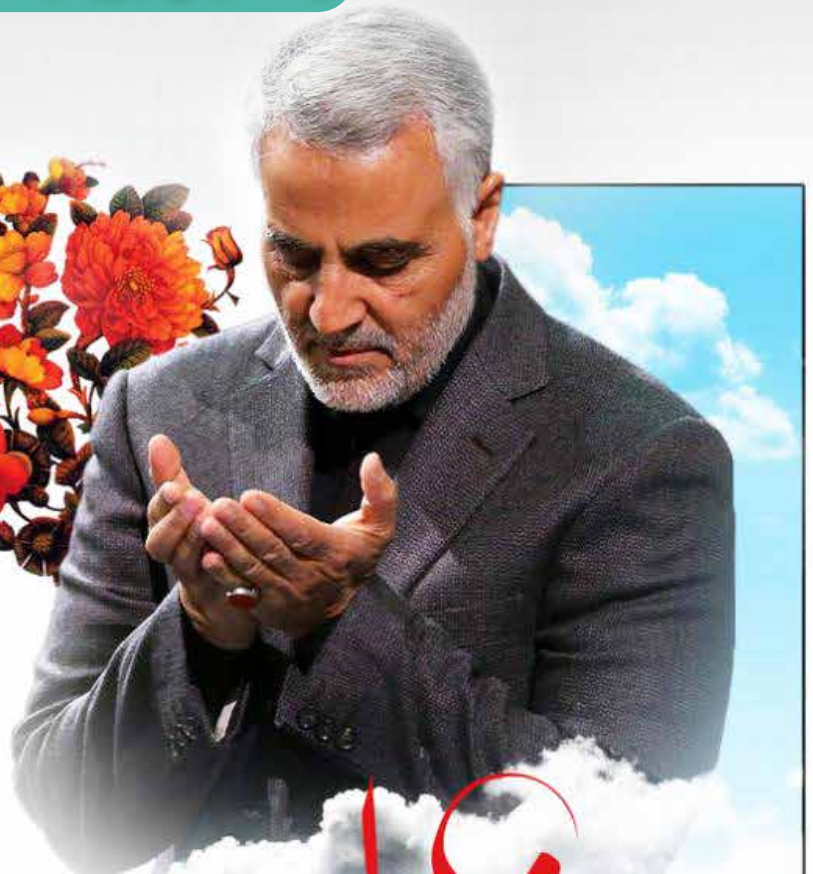




مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

فرهنگ



شرط شهید شدن بودن است.

تقویم و روز شمار ماه جمادی الاول

- ۱ جمادی الاول: صدور حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی (۱۲ آذر ۱۲۷۰ ش، سال ۱۳۰۹ م.ق)
۵ جمادی الاول: ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) در سال ۵ م.ق. روز پرستار.
۱۳ جمادی الاول: شهادت حضرت فاطمه زهرا بنا به روایت ۷۵ روز (سال ۱۱ م.ق)
۴ دی: میلاد حضرت عیسی (علیه السلام)
۱۳ دی: پیام تاریخی امام خمینی (رحمت الله علیه) به گورباچف رهبر شوروی سابق (۱۳۶۷ ه.ش)
۱۳ دی: سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و یاران شان.

در این شماره اسوه می خوانیم:

شهید «مسعود علی محمدی» از قاب اسوه

گروه های غذایی مفید در قرآن

حفظ این نظام با حفظ محیط اطراف آن امکان پذیر است

زینب کبری؛ نمونه بر جسته تاریخ

کاش در نافلهات نام مرا هم ببری

چهره بین المللی مقاومت؛ پاداش مجاهدت های خالصانه اش را گرفت

بخشی از پیام تاریخی امام خمینی (رحمت الله علیه) به گورباچف

آزادی اجتماعی در قرآن

سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره مبارکه عادیات)

توبیت در محیط خانواده (قسمت بیست و هشتم)

چهره بین المللی مقاومت پاداش مجاهدتهای خالصانه اش را گرفت

فخری مرجانی

روح مطهر حاج قاسم سلیمانی، چهره بین المللی مقاومت، سحرگاه روز ۱۳ دی ماه از بین ما پرگشود و به ملکوت اعلی پیوست.

خبری که همه شیفتگان او و راهش را متحیر و داغدار کرد.

و اینک که دو سال از این واقعه جانگداز می گذرد، هنوز وجودش را در بین مان حس می کنیم؛ زیرا همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «بقای دین اسلام و راه خدا و ادامه پیمودن این راه به وسیله بندگان خدا، متکی شده و مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) و کاری که زینب کبری (سلام الله علیها) کردند.»

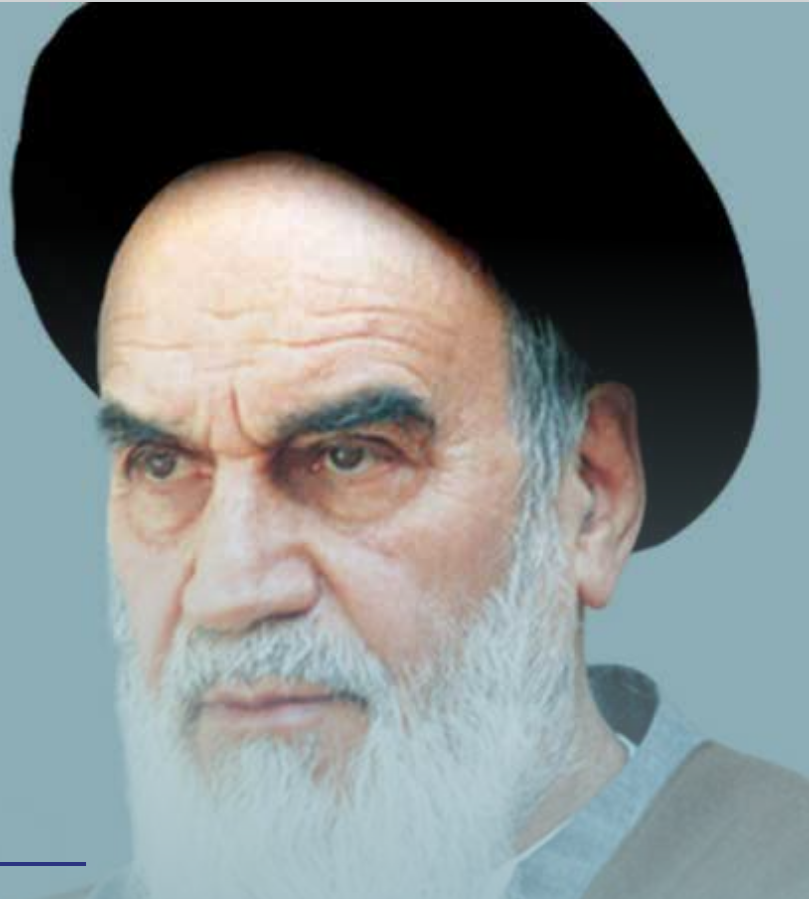
همان گونه که اباعبدالله الحسین (علیه السلام) همیشه تاریخ جاودانه خواهد بود؛ رهروان راه ایشان نیز همیشه تاریخ جاودانه اند.

و اما رسالتی که بر دوش تک تک انسان های آگاه مجاهد وجود دارد، همان رسالتی است که زینب کبری (سلام الله علیها) بعد از شهادت برادر و امامش به عهده گرفت و با واگویی کردن مکتب برادر، راه را برای امت اسلام روشن کرد.

بیان خاطرات و سخنانی های رهروان این راه نیز می تواند، انگیزه و اراده جمعی که شوق «حاج قاسم» شدن دارند، را بیش از پیش کند.

مانیز در این راه کوشا باشیم...

بخشی از پیام تاریخی امام خمینی (رحمت الله علیه) به گورباچف



... جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بی‌پایان با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است. جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می‌دانید که ثبوتاً این‌گونه نیست. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی‌الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کثرتی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدايید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم، که صدای شکستن استخوان‌هایش هم به گوش فرزندان‌شان رسیده است، مصرف کنند.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوری‌های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید.

آزادی اجتماعی در قرآن



کرد، نه در قرن هیجدهم، نه در قرن نوزدهم و نه در قرن بیستم، در این قرن‌هایی که شعار فلاسفه آزادی بشر بوده است و آزادی بیش از اندازه زبانزد مردم بوده و شعار واقع شده است، شما جمله ای پیدا بکنید زنده‌تر و موج‌دارتر از این جمله‌ای که قرآن دارد:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (سوره آل عمران، آیه ۶۴)

ای پیغمبر! به این کسانی که مدعی پیروی از یک کتاب آسمانی گذشته هستند، به این یهودی‌ها، به این مسیحی‌ها، به این زرتشتی‌ها (و حتی شاید به این صابئی‌ها که در قرآن اسم‌شان آمده است) و به همه ملت‌هایی که پیرو یک کتاب قدیم آسمانی هستند این‌طور بگو: بیاید همه ما جمع شویم دور یک کلمه، زیر یک پرچم. آن پرچم چیست؟ دو جمله بیشتر ندارد. یک جمله‌اش این است: «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» در مقام پرستش، جز خدای یگانه چیزی را پرستش نکنیم، نه مسیح را بپرستیم نه غیر مسیح را و نه اهرمن را پرستش کنیم، جز خدا هیچ موجودی را پرستش نکنیم. جمله دوم: «وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» اینکه هیچ کدام از ما دیگری را بنده و برده خودش نداند و هیچ کس هم یک نفر دیگر را ارباب و آقای خودش نداند. یعنی نظام آقایانی و نوکری ملغی، نظام استثمار، مستثمر و مستثمر ملغی، نظام لامساوات ملغی، هیچ کس حق استثمار و استعباد دیگری را نداشته باشد.

شهید مطهری، کتاب آزادی معنوی

می‌دانید کلمه استثمار یعنی چه؟ یعنی چیدن میوه دیگری. هر کسی وجودش مثل یک درخت پرمیوه است. میوه درخت وجود هر کسی یعنی محصول کار و فکرش، محصول فعالیتش، محصول ارزشش باید مال خودش باشد. وقتی که افرادی کاری می‌کنند که محصول درخت وجود دیگران را به خودشان تعلق دهند و میوه‌های وجود آن‌ها را بچینند، می‌گویند این فرد دیگر را استثمار کرده است. یکی از گرفتاری‌های بشر در طول تاریخ همین بوده است که فردی فرد دیگر را، قومی قوم دیگر را استثمار می‌کرده به بردگی خود می‌کشیده است یا حداقل برای اینکه میدان برای خودش باز باشد، میدان را از او می‌گرفته است، او را استثمار نمی‌کرده، ولی میدان را از او گرفته است.

در نص قرآن مجید، یکی از هدف‌هایی که انبیا داشته‌اند این بوده است که به بشر آزادی اجتماعی بدهند، یعنی افراد را از اسارت و بندگی یکدیگر نجات بدهند. قرآن کتاب عجیبی است! بعضی از معانی و مفاهیم است که در یک عصر به اصطلاح گل می‌کند، زنده می‌شود، اوج می‌گیرد، ولی در عصرهای دیگر اگر نگاه کنید آن قدر اوج نداشته است. در بعضی از عصرها می‌بینیم که برخی از کلمات، به حق اوج می‌گیرد. وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم چقدر در قرآن این کلمه اوج دارد، و این عجیب است یکی از حماسه‌های قرآنی، همین موضوع آزادی اجتماعی است. من خیال نمی‌کنم که شما بتوانید جمله‌ای زنده‌تر و موج‌دارتر از جمله‌ای که در این مورد در قرآن هست پیدا کنید، شما در هیچ زمانی پیدا نخواهید

سبک زندگی کوثری (از ناس تا نبأ)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

سوره مبارکه عادیات

این سوره با تمام وجود بر این حقیقت اذعان دارد که **از من هیچ نمی‌دانید!** و این مهمترین درد جامعه مسلمانان است که سوره‌های قرآن در روند زندگی، و در متن زندگی امروزشان **کمترین حضوری ندارند** و به صرف پرداختن به قیامت و عذاب و یا ثواب آن کاملاً منفعل گردیده، تعطیل شده و کم‌کم در همان **شأن و اسباب نزول** اولیه و شواهد تاریخی آن **به تاریخ می‌پیوندند** و این همان «لفی خُسر»ی است که **بزرگ‌ترین سرمایه زندگی** هر دو دنیای مسلمین و **شبهه‌ترین چیزها** به خود **خداوند متعال «قرآن کریم»** را به متنی تاریخی و صرفاً مقدس بدل کرده، که در بهترین وضعیت، فقط به قرائت، حفظ و تجوید و ترتیل آن بسنده می‌شود!

در حالیکه سوره عادیات با مضامین بلندی چون عادیات و موریات و مغیرات آغاز می‌گردد که سرعت **شگفت‌انگیز امورات طبیعی** عالم را به یاد انسان آورد که با تغییر و تبدیلهای علمی عجیبی مثلاً تبدیل روز و شب به هم، ماه‌ها و فصل‌ها، مرگ و زندگی...؛ همراه با تمام جریانات پیوسته علمی این رخداد بزرگ، وی را به **حرکت و پویایی هم سو با عالم طبیعت** فرا خواند و با یادآوری قیامت، **خداآوری و قیامت اندیشی** را در وجودش نهادینه گرداند. مع الأصف با وجود آنکه این اتفاقات، سریع و شتابان صورت می‌گیرد ولی انسان اصلاً متوجه عظمت آن نمی‌شود و به جای سپاس و شکر، برعکس **کنود می‌گردد، کند و ناسپاس و مدعی!** و با وجود «حُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» ترجیح می‌دهد «فَأَثَرُنْ بِهِ نَقْعًا» گردد، و با تغییرات منفعت طلبانه‌ای که در سیر طبیعت به بهانه‌ی تکنولوژی و پیشرفت، و حتی تبدیل عالم به دهکده‌ی جهانی؛ ایجاد می‌کند، در گودال‌ها و فتنه‌های بی‌شماری از مشکلات واقع می‌شود و پیش از قیامت خود جهنمی دنیوی برای خود برپا می‌کند و «فَوْسَطُنْ بِهِ جَمْعًا» و در وسط اینهمه مصائب متحیر می‌ماند اکنون چه کند؟! و با این همه باز هم در وسط چنین جهنمی برعلیه بشریت و طبیعت می‌جنگد و ادعای بزرگی می‌نماید!!! و از سویی دیگر با گسترش «نفاثات» [گوگل و سیا و موساد و...] با آگاهی و تسلط بر بیشتر اطلاعات بشر، بجای خدا خود را خبیر بر «حُصْلِ مَا فِي الصُّدُورِ» می‌نماید و زندگی را انسان تنگ و سخت و جهنمی می‌سازد!!

سوره **تنها راه نجات** وی را **اندیشیدن به مرگ و آگاهی الله بر همه چیز** می‌داند و یاد قبرهایی که روزی گشوده خواهند شد، که «حُصْلِ مَا فِي الصُّدُورِ»، شاید این انسان مدعی **کنود، با یاد مرگ، بیشتر به یاد خدای خبیر و الطاف وی و چگونگی همراهی با سیل نعمتهای خدا، بیندیشد و از خواب غفلت بیدار شود.**

خوش‌منش: تصویر سوره **عادیات** واقعه‌ای دگرگون کننده در **این دنیاست:** دوندگان تیزرو و جرقه سم‌ها و غبار برانگیخته و تصویر سوره قارعه از واقعه دگرگون کننده در آن دنیاست؛ و این هر دو خواب را از سر گروه خواب زده می‌پراند؛ یکی خواب نوشین بامداد غفلت در این دنیا را و دیگری خواب سنگین مرگ را در آن دنیا.

بنابراین سوره مبارکه عادیات با تأکید بر اتفاقات عظیم روزمره و حرکات تند و سریع و شتابان عالم هستی، انسانها را به **همراهی و مدیریت** این مهم فرا خوانده، او را از آتش افروزی در زندگی خود و تبدیل کردن آن به جهنمی خیلی زودتر از نوع آخرتی آن، باز می‌دارد. قارعه پیشتر از عادیات به اهمیت این **موازنه‌های ثقلت یا خفت (ولایت ائمه)** خبر داده بود، تا در عادیات انسان نسبت به رب خود «**لکنود**» نشود تا (سوره) زلزله که فرا رسید، مثقال ذره **خیر یا شر** با ولایت ایشان به حساب کشیده شود!

سوره‌شناسی سوره عادیات

شماره سوره: سوره صدم

(پانزدهم از پایان) مکی و دارای

۱۱ آیه

شرح لغات: عادیات: (عدو)؛ چهار

نعل دویدن اسب؛ ضیح: نفس

زدن پی‌درپی؛ موریات (وری):

سنگ آتش زنه (سرعت در زدن

آتش) نفع: گرد و غبار (گودال)

کنود: ناسپاس چون کفور.

سوره زوج: قارعه

محور موضوعی: ناسپاسی

انسان نسبت به نعمتهای الهی؛

و انتخاب شر با وجود علاقه‌اش

به خیر

شأن نزول: بشارت پیروزی امام

علی (علیه‌السلام) در جنگ

سلاسل.

فضیلت قرائت: مبعوث شدن

در روز قیامت با امیرالمومنین

(علیه‌السلام)، داشتن ثوابی برابر

قرائت یک دوم قرآن کریم.

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت بیست و هشتم



مرز کشی برای خواسته‌ها، کار انبیاست

لذا امام (رضوان الله علیه) می گویند: «مقصد انبیاء تأدیب نفوس و تحدید هواهای نفسانی است.» مقصد همه انبیاء، این است که می خواهند نفوس را تربیت کنند. تحدید در اینجا یعنی مرز کشی؛ انبیاء می خواهند نفوس سرکش را مرزشناس کنند.

حیوانات وحشی تربیت می شوند؛ چرا ناامیدی؟

مگر نمی شود حیوان را تربیت کرد؟ الآن درنده‌ها را تربیت می کنند. آیا تو که از تربیت خود ناامیدی، بدتر از شیر و ببر و پلنگی؟ خوب است که این‌ها را می بینید! حیوان را می شود تربیت کرد، حیوانات را دارند تربیت می کنند. بدترین آن‌ها را می بینید که تربیت شده‌اند. وقتی حیوان را می شود تربیت کرد، چطور این موجود دو پا در بین این حیوانات چموش‌تر از همه در می آید؟! مگر انبیاء آمدند و یکسری چیزهای خارق‌العاده به ما گفته‌اند؟! می گویند آمده‌ام تا روش رفتاری، گفتاری و کرداری به تو بدهم و می خواهم تو را آدم کنم.

روش دادن به شهوت، غضب و وهم، هدف انبیاء عظام است

خلاصه اینکه انسان علاوه بر دو بُعد انسانی و الهی دارای یک بُعد بالفعل حیوانی است که مانع انسان شدن اوست. اگر قوای نفس، افسارگسیخته باشد همین آدم، از حیوانات هم بدتر می شود. لذا بزرگان می فرمایند که مقصد انبیاء عظام، تأدیب نفوس و تحدید هواهای نفسانی است. هدف پیامبران روش رفتاری دادن به شهوت، غضب و وهم است. در همین رابطه یک روایت از رسول خدا هست که قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَدَّ لَكُمْ حَدوداً فَلَا تَعْتَدوها.» پیغمبر اکرم فرمود خداوند برای شما، مرزهایی قرار داده است، پس از آن مرزها تجاوز نکنید. تجاوز نکنید، یعنی به آداب الهی مؤدب شوید تا انسان شده و در بُعد الهی فرشته شوید. کسانی رستگاری جاودانه پیدا می کنند که مؤدب به آداب الهی شوند.

ادامه دارد...

هوی و هوس، علف‌های هرز وجود آدمی

علف هرزه در باغ و باغچه را دیده‌اید؟ تا جلوی این علف‌های هرز را نگیری، آن بذری که کاشته‌ای رشد نمی کند. همین‌طور تا وقتی جلوی هوی و هوس‌ها گرفته نشود، آن نشائی که خدا - در بُعد انسانی و الهی - در دل آدمی گذاشته است، شکوفا نمی شود؛ نه آدم درست می شود نه فرشته. این اولین گام است.

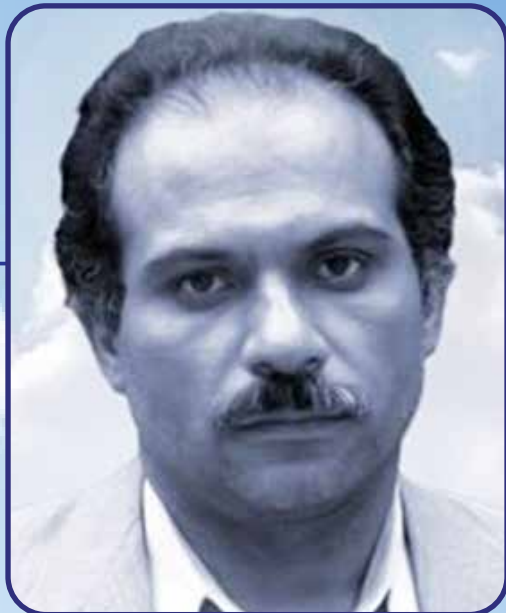
اولین گام تربیت، مهار نفس سرکش

علی (علیه السلام) در یک روایت فرمود: «ضَبَطَ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَ الرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ». مهار نفس هنگام میل و روگردانی، از بافضیلت‌ترین ادب‌هاست. مهار کردن شهوت و غضب نفس، هنگام روآوری و روگردانی، از بافضیلت‌ترین تربیت‌ها و ادب‌ها است. یعنی همین، اولین گام است. وقتی که نفس به یک کار نامشروع نامعقول رو آورده و می خواهد آن را انجام دهد، جلوی آن را بگیر! از آن طرف وقتی نفس می خواهد از یک کار خوب روگردان شود، آنجا هم جلوی روگردانی‌اش را بگیر! هر دو مورد، هم «رغب» و هم «رهب» آمده است؛ هم به روآوری و هم به روگردانی اشاره شده است.

استاد ما (رضوان الله تعالی علیه) این اصطلاح اهل معرفت را مطرح می کنند که «تقیید اطلاق شهوت و غضب»؛ این همان مهار کردن و افسارزدنی است که من گفتم. من بحث را خالی از این اصطلاحات کردم تا فهم آن آسان شود. وقتی ایشان می گوید «تقیید اطلاق شهوت و غضب»؛ یعنی مهارزدن به این قوای سرکش. نفس را رهایش نکن.

آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو



علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در تعریف سیره می فرماید: «سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.»

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری ها و عمل کردن ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. اما سؤال اینجا است که چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می دهد؟ آیا سیره ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بحث الگو و اسوه داشتن در یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته ام.

دنبال روزه ای بود تا به جبهه برود و در نخستین فرصت فرمانده پایگاه را قانع کرد و به جبهه اعزام شد. شهید علی محمدی، ابتدا به عنوان نیروی تکرو در یکی از گردان ها مشغول به خدمت شد و در عملیات خیبر حضور داشت و به دنبال آن بنا به دستور مسئولان لشکر به عنوان مسئول تعاون و فرمانده گردان انصار لشکر ۷ ولیعصر (عج) مشغول به خدمت شد.

شهید علی محمدی، مدرک کارشناسی را از دانشگاه شیراز در ۱۳۶۴ خورشیدی و کارشناسی ارشد را در ۱۳۶۷ و دکتری فیزیک با گرایش ذرات بنیادی را از دانشگاه صنعتی شریف در ۱۳۷۱ خورشیدی، کسب کرد. او از دانشجویان نخستین دوره دکتری فیزیک در داخل ایران بود و نخستین شخصی است که در ایران دکتری خود را در فیزیک دریافت کرده و همچنین نخستین دانشجوی پسادکتر در پژوهشگاه دانش های بنیادی بود. تخصص اصلی او ذرات بنیادی، انرژی های بالا و کیهان شناسی بوده است. با پژوهشگاه دانش های بنیادی یا مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات نیز طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ خورشیدی همکاری داشت.

او می دانست راه پر خطری را در پیش رو دارد، اما دست از فعالیت های علمی خود برای تعالی علمی کشور بر نمی داشت. پر تلاش و انقلابی عمل می کرد. او را به خلاقیت بالا می شناختند. با تمام مشغله او مردی خانواده دوست بود

با همسر و فرزندان روابط حسنه داشت. وجود فضایل پسندیده و روحیات عالی در او، باعث می شد غم خوار پدر و مادرش باشد. شهید علیمحمدی از هوش و استعداد فراوانی برخوردار بود. وجود روحیه حساس، چهره ای آرام و خندان، گشاده رویی و خوش خلقی، از ایشان شخصیتی دوست داشتنی و جذاب ساخته بود.

مردم دار و مردم دوست بود و در برابر مردم تواضع داشت. منطقی بود و در خدمت به مردم با تواضع و مهربانی می کوشید. هرگز جایگاه بالای علمی باعث نشد در رفتارش با مردم تغییری حاصل شود و نگاه بالا به پایین داشته باشد.

سرانجام روح این بزرگمرد صنعت هسته ای ایران در عملیات ترور با انفجار بمب در قطریه تهران در ساعت ۷:۳۰ صبح ۲۲ دی ۱۳۸۸ به فیض شهادت نائل گردید. اَللّٰهُمَّ الْحَقْنَا بِهِمْ...

شهید «مسعود علی محمدی»، فروردین ۱۳۴۰ خورشیدی در خانواده ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان ایذه چشم به جهان گشود. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. مسعود از هوش و استعداد قابل توجهی برخوردار بود. وجود روحیه حساس، گشاده رویی و خوش خلقی از او شخصیتی دوست داشتنی ساخته بود و همین امر سبب جذب دوستان زیادی شد و بیشتر هم کلاسی های علی محمدی به یاد دارند که وی از دانش آموزان ممتاز و کوشا و از بهترین شاگردان شناخته می شد.

با وجود مشکلات فراوان در کنار تحصیل، همگام و همراه پدر به فعالیت های کشاورزی می پرداخت، دوران جوانی مسعود، هم زمان با اوج گیری تظاهرات و مبارزات ملت ایران شد، او با ایراد سخنرانی و برپایی نماز جماعت در دبیرستان به مبارزه و فعالیت در گروه های سیاسی می پرداخت، او ضمن عضویت در انجمن اسلامی دبیرستان، عضو نیروهای فعال مسجد جامع نیز بود و سعی در برپایی کلاس های عقیدتی و سیاسی داشت و در سنگر دبیرستان فعالانه ضمن تبلیغ و جذب نیروهای مؤمن به مبارزه با افکار انحرافی رایج آن زمان نیز می پرداخت.

پس از پایان دوران متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در ۱۳۵۸ خورشیدی به جهادگران پیوست و با تمام توان در خدمت محرومان قرار گرفت و در ادامه کمیته فرهنگی جهادسازندگی شهرستان ایذه را راه اندازی کرد و در این راستا به دایر کردن کتابخانه ای بزرگ در شهر و گسترش کتابخانه های موجود در شهر پرداخت. ضمن اینکه در این مدت تهیه و تکثیر نشریات، فیلم، اسلاید و دایر کردن کلاس های تالیفاتی آموزش قرآن می پرداخت، کار فرهنگی را از بزرگ ترین امور می شمرد.

با شروع جنگ تحمیلی، وی از جهاد استعفا و به سپاه پیوست و لباس سبز پاسداری را زینت بخش قامت استوار خود کرد و در همان ابتدا به عنوان مسئول پرسنلی پایگاه مشغول به خدمت شد. او به

گروه‌های غذایی مفید در قرآن

گوشت‌ها (پروتئین‌ها)

از میان چهارپایان؛ گوشت گوسفند، گاو، شتر، آهو و برخی دیگر از حیوانات حلال است و گوشت چهارپایان درنده‌خو، دارای دندان تیز و چنگال و ناخن‌های تیز مانند شیر، پلنگ، روباه، کفتار، شغال، گربه و... حرام است. همچنین گوشت چهارپایان حلال گوشتی که ذبح اسلامی نشده یا مردار شده اند، حرام است. و از حیوانات دریایی، گوشت ماهی‌های پولک‌دار و میگو حلال است. گوشت پرندگان نیز حلال است، جز پرندگانی که فاقد چینه‌دان و سنگدان و خار عقب پا هستند و یا مانند عقاب و کرکس دارای چنگال‌اند.

گوشت حیوانات حلال گوشت سرشار از پروتئین است که نیاز بدن را تأمین می‌کند و کمتر غذایی می‌تواند جایگزین آن شود. در آیات و روایات گوناگونی به خوردن گوشت سفارش شده است.

«وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ... وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ»؛ (سوره نحل: ۵) (خداوند) چهارپایان را برای شما آفرید... و از گوشت آن‌ها می‌خورید. در روز عید قربان که حاجیان پس از اعمال سنگین مناسک نیاز به پروتئین دارند، خداوند به خوردن گوشت قربانی دستور داده است.

«فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»؛ (سوره حج: ۲۹) و از گوشت آن‌ها (قربانی) بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید. در جنگ خندق پس از خستگی سربازان اسلام در فقر خندق، دعوت کرد. در روایت آمده که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «خیر الادام فی الدنیا والآخره اللحم؛ بهترین خوراکی در دنیا و آخرت گوشت است.» چرا که گوشت موجب روئیدن گوشت بر بدن، توانمندی، قدرت بخشیدن به بینایی و شنوایی و... می‌شود. ترک گوشت فساد بدن را در پی دارد. از این رو رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: هر کس چهل روز گوشت نخورده باشد، پس باید پولی قرض کند و گوشت تهیه کرده و بخورد.

نیز امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هر کس چهل روز خوردن گوشت را ترک کند، خلق و خوی او بد و زشت می‌شود.» لیکن باید از افراط در خوردن گوشت و اعتیاد به آن پرهیز کرد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «هر کس چهل روز (پشت سرهم) گوشت بخورد، سنگدل می‌شود.»

از روایات برمی‌آید که خوردن گوشت هر سه روز یک‌بار مناسب است. ساباطی می‌گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) درباره خوردن گوشت پرسیدم؟ فرمود: هر سه روز (یک‌بار).

ادریس بن عبدالله می‌گوید: در محضر امام صادق (علیه‌السلام) بودم، از گوشت سخن به میان آمد، فرمود: یک روز گوشت بخور، یک روز لبنیات و یک روز چیز دیگری.

از میان گوشت‌ها، به خوردن گوشت گوسفند و آبزیان و پرندگان سفارش شده است. بهترین گوشت، گوشت تازه (لحم طریا) است و از خوردن گوشت خام و گوشت خشکیده نمک سود نهی شده است.





حفظ این نظام با حفظ محیط اطراف آن امکان پذیر است

راحتی نیست. حفظ این نظام با حفاظت از محیط اطراف آن امکان پذیر است. نگاه به مسجد هم باید این گونه باشد. حفاظت از داخل مسجد به تنهایی نمی تواند راهگشا باشد و اگر امام جماعت مسجدی نتوانست به هدف نهایی خود و جذب مردم برسد، باید بداند که دشمن در آن مکان رخنه کرده و تلاش فایده ای ندارد.

گاهی خداوند برای بزرگ کردن چیزی اتفاقی را می آفریند. شهادت شهید محسن حججی نمونه ای روشن بر این ادعاست. او با شهادت خود به همه عظمت ها عظمت بخشید.

مقام معظم رهبری در زمینه حفظ نظام بسیار مؤثر عمل کرده اند. گاه رفتاری از سوی یک مرجع عالیقدر با توجه به حکمتی سر می زند که درک مفهوم آن برای عامه امکان پذیر نیست. در مرحله بعد شجاعت یک مقام و عکس العمل مناسب با توجه به شرایط موجود نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نمونه این موضوع دخالت ایران در مقابله با نیروهای تکفیری بود که با شجاعت رهبری، این حکمت به ظهور تبدیل شده و به نتیجه رسید.

موضوع دیگر در این باره منطق ما در مقابل این تصمیم بود و ما در کمک رسانی به عراق منافع خود را از این کشور تفکیک نکردیم و همه چیز را یکسان در نظر گرفتیم. ایران همواره در طول تاریخ، کشوری ثبات دهنده در منطقه بوده که با توجه به تهاجم های بیشمار، توانسته اصالت خود را حفظ نماید و البته نقش مذهب در این میان بی تأثیر نیست. پس حفظ نظام جمهوری اسلامی نیز اهمیت بسیاری دارد و اگر خدشه ای به آن وارد شود قابل جبران نیست. همه ما باید در حفظ این نظام کوشا باشیم و آن را حمایت نماییم.

همه جنگ و جدال عالم اسلام و غرب بر سر مسجد است و آن مسجد الاقصی است و مسجدی که موجب وحدت میان مسلمین جهان می شود، مسجد الحرام است. این امور اهمیت نقش مساجد را می رساند.

در اسلام سه نوع مسجد با سه رویکرد وجود دارد:

۱. مسجدی که ائمه جماعت آن به امور تربیتی و فرهنگی پرداخته و انسان هایی ایثارگر و مجاهد را تربیت می نمایند. تربیت امام خمینی (رحمت الله علیه) نمونه ای از این مساجد بود.

۲. مساجدی که در آن ها فقط به امور مذهبی پرداخته می شود و همه چیز در زمان و موقعیت درست خود انجام می شود.

۳. مساجدی که در آن مدام به اسلام و مسلمین حمله می شود که نمونه بارز آن مسجد علمای تکفیری است که نتیجه اش پیدایش داعش می باشد.

ما با دو خطر داخلی و خارجی درگیر هستیم. در داخل گرفتار فتنه های مذهبی بوده و در خارج مورد تهاجم گسترده علیه عالم اسلام قرار داریم که هدف این گروه تلاش برای همسان سازی جهان است. حفظ و نگهداری آنچه امام خمینی (رحمت الله علیه) به رهبری سپرده اند، کار

زینب کبری نمونه برجسته تاریخ

زینب کبری یک نمونه برجسته تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد.

اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی

دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه زنده و ملموس است که انسان زینب کبری را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر می‌شود؛ کاری می‌کند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی او را تبدیل می‌کند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است. زینب (سلام‌الله‌علیها) نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور؛ ۱۳۸۹/۲/۱



کاش در نافلهات نام

مرا هم ببری

محیا خوبرو

گاهی لحظاتی پیش می‌آید که از خودم می‌پرسم:

آیا تا به حال برای مولایت کاری شایسته انجام داده‌ای؟

یا در مسیر تحقق آرمان جهانی‌شان قدمی برداشته‌ای؟

و در جواب، چشمانم از خجالت بارانی می‌شود.

و بعد به این فکر می‌کنم که از کودکی دست مهر شما همیشه بر سر ما بوده، و نظرتان روشنگر لحظات سخت تردید...

فرمودند امام زمان پدر امت است و در ذهن من می‌گذرد که برایم پدری کرده‌اید، اما آیا فرزند خلفی بوده‌ام برای‌تان؟

کم کاری‌های ما زیاد است...

شکوه‌های ما از روزگار نیز...

فراموشی‌ها و غفلت‌های ما بیچاره‌مان کرده و متوجه نیستیم شما را کم داریم...

اما مولاجان، با تمام نقص‌ها... عهد می‌بندم از مسیر شما روگردان نشوم...

چشم قلب من به دعای شماست که فرمودید در خوشی و ناخوشی به یادتان هستیم و...

از گوشه خلوت یاد شما می‌نویسم:

محتاج دعای خیرتان هستیم.

«کاش در نافلهات نام مرا هم ببری...»

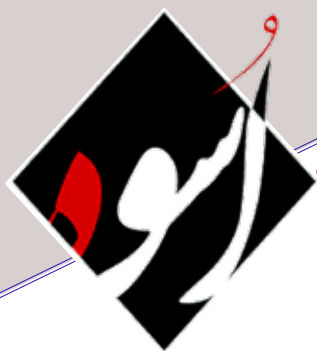
خبر خوش؛ خبر خوش:

بار دیگر؛ برگ زرینی از تلاش‌های
بی‌وقفه خادمین شهدا ورق خورد.

خبر افتتاح ساختمان جدید "سلامت اسوه پویا" جهت رفاه بیشتر و ارائه خدمات بهینه، ارمغانی ست به هموطنان عزیز به ویژه خانواده معظم شهدا، ایثارگران و فرهیختگان محترم. به اطلاع هموطنان عزیز می‌رساند؛ در آستانه ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها) و روز پرستار، ساختمان جدید "سلامت اسوه پویا" برای شما علاقه‌مندان عرصه سلامت افتتاح می‌شود. امید است که با افتتاح ساختمان جدید، نیازهای شما مراجعین محترم به بهترین شکل ممکن مرتفع شود و ما بتوانیم در محیطی جدید خدمت‌رسانی بیشتری داشته باشیم.

نشانی: تهران، خیابان کارگر جنوبی پایین تر از چهارراه لشکر، تقریباً روبروی
پمپ بنزین، کوچه شهید غیاثوند قیصری، بن بست آریا، بن بست مقدم

شماره تماس: ۰۲۱۵۵۴۸۲۱۴۳



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سرمد پیر: سرکار خانم زهرا بادی

ذبیح: تحریریه: فخری مرجانی

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.osvehedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهارراه لشکر - روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵